

احضار ارواح

وبازگشت روح بزندگی جدید

نامه‌های متعددی به ما رسیده و در آنها از این موضوع سؤال شده است که :
 «در یکی از مجلات هفتگی بحثهای مفصلی پیرامون احضار روح اسپریتسم
 Spiritism مطرح گردیده و از آنجا سخن به مسئله وبازگشت روح در بدن
 جدیدی پس از مرگ» (تساخ) کشیده شده است.

نویسنده مخصوصاً روی مسئله دوم زیاد تکیه نموده و معتقد است روح پس
 از جدائی از بدن چنانچه بایزمنند به تکامل باشد مجدداً بدن انسان دیگری بر-
 میگردد و دوران نویی از زندگی را در روی زمین آغاز میکند .
 گاهی این دوران آمیخته بهرنجهها و ناراحتیهاست تا اعمال بد گذشته
 را جبران کند و گاهی این دوران آمیخته با شادکامیها ، حیران محرومیت‌های
 گذشته است .

نویسنده مرور برای اثبات عقیده خود مدعی است یکسلسله مشاهدات
 او یا دیگران در این زمینه داشته‌اند که این عقیده را اثبات میکند تا آنجا که او
 ادعا مینماید ممکن است کسی سلاخلاقه بد اختری داشته باشد و در زندگی نخستین
 بوسل او ناگل نگردد ولی در زندگی آینده و هنگام بلاگشت او بزنگی جدید
 بصورت برادر و شوهر بازگردند ...!

همچنین او مدعی است این عقیده بهیچوجه با عقائد اسلامی منافات ندارد
 آیا این گفتگوها درست است و میتوان به آن اعتماد نمود ؟
 چون ما نمی‌توانستیم در چنین مسئله‌ای تنها باین گفتگوها قناعت کنیم
 لازم دانستیم آنرا با مجله «مکتب اسلام» که صلاحیت برای این موضوع دارد در
 میان بگذاریم .

این بود خلاصه مجموع نامه‌هایی که در این زمینه وارد شده است و ما به همه
 وعده داده‌ایم که بحث نسبتاً مشروحی روی این مسئله مهم مطرح نمایم .

(بقیه در صفحه ۱۷)

احضار ارواح از صفحه ۱۲

در پاسخ این پرسشها باید این دو بحث را از هم تفکیک نمود :

- ۱- بازگشت روح به زندگی ! پس از مرگ
- ۲- احضار روح - یا صحیحتر - ارتباط با ارواح.

اماد در دو مسئله اول پاسخ کوتاه و فشرده این است که عقیده به بازگشت روح بیک زندگی جدید در این جهان نه پایه صحیح علمی و فلسفی دارد و نه با عقائد اسلامی سازگار است.

برای روشن موضوع نخست باید نگاهی بگذشته افکند و سیر این عقیده را در میان پیشینیان ، سپس سرچشمه و انگیزه های اصلی اعتقاد به این موضوع را مورد بررسی قرار داده ، بعداً بدلائلی که فلاسفه بزرگ در رد و ابطال آن اقامه نموده اند اشاره کنیم .

سپس نظر اسلام و پیشوایان این آئین را در این باره شرح دهیم .



تاریخچه و سرچشمه عقیده به تناسخ

مسئله بازگشت ارواح پس از مرگ بدنهای دیگر یکی از قدیمترین مسائلی است که در میان بشر در گذشته و امروز مورد بحث بوده است . و این همان است که در کتب فلسفی و کتایبهای عقائد و مذاهب از آن تعبیر به «تناسخ» میشود .

گرچه گویا نویسنده مقالات مزبور حاضر نیست عنوان «تناسخ» را برای عقیده خود بپذیرد، ولی باید توجه داشت که از نظر اصطلاحات علمی ، همه دانشمندان بزرگ «تناسخ» را چیزی

جز «بازگشت ارواح به زندگی جدید» در بدن دیگر در همین جهان» نمیدانند، و اصرار نویسنده مزبور در انکار نام «تناسخ» از عقیده خود هیچ مأخذ علمی ندارد و با گفتار هیچیک از فلاسفه و دانشمندان سازگار نیست .

برای نمونه : علامه حلی در توضیح گفتار خواجه نصیر الدین طوسی در کتاب «تجربید - الاعتقاد» درباره «تناسخ» میگوید : تناسخ این است که روحی که بمده شخصیت و موجودیت کسی است به بدن دیگری برود و اساس موجودیت او را تشکیل دهد

از سخنان شیخ الرئیس ابوعلی سینا در کتاب «اشارات» در بحث تناسخ ، همچنین از سخنان خواجه نصیر الدین طوسی در «شرح اشارات» و از سخنان صدر المتألهین در «اسفار» نیز همین معنی استفاده میشود .

نویسنده معروف اسلامی فرید و جلی در «الذرة المعارف قرن بیستم تحت عنوان تناسخ (جلد دهم صفحه ۱۷۲) مینویسد : تناسخ مذهب کسانی است که معتقدند روح پس از جدائی از بدن به بدن حیوان یا انسان دیگری میرود تا خود را تکمیل نموده شایسته زندگی در میان ارواح عالی در عالم قدس گردد .

این نمونه ای از سخنان دانشمندان و فلاسفه بزرگ درباره معنی تناسخ میباشد و شاید حتی يك مورد هم نتوانیم پیدا کنیم که دانشمندی تناسخ را غیر از این معنی کرده باشد .

منتهی گاهی تناسخ را فقط به بازگشت روح در بدن انسان دیگر اطلاق میکنند ، و گاهی بمعنی

اعم از بازگشت ببدن حیوان یا انسان دیگر .
بعضی از فلاسفه نیز این بحث را توسعه
بیشتر داده و چهار مرحله برای آن قائل
شده اند :

۱- «نسخ» یعنی روح ببدن انسان دیگری
باز گردد.

۲- «سسخ» هر گاه در بدن حیوانی حلول
کند.

۳- «فسخ» هر گاه به گیاهی باز گردد.

۴- «رسخ» هر گاه به یکی از جمادات تعلق
پیدا کند .

البته همانطور که خواهید دید دلالتی که
برای ابطال تناسخ و عدم امکان بازگشت روح
بزندگی دیگر در این جهان اقامه شده همان
مراحل را شامل میگردد .

دانشمندان و مورخان معتقدند زاده‌های
اصلی این عقیده کشورهند و چین بوده است و
ریشه آن در ادیان باستانی آنها وجود داشته و هم
اکنون نیز موجود است . سپس از آنها به میان
اقوام و ملل دیگر رفته است و بگفته شهرستانی
نویسنده ملل و نحل ، این عقیده دو غالب اقوام رخنه
نموده .

احتراسی که هم اکنون هندوهای برای
حیوانات قائل هستند تا حدودی مربوط به این
عقیده است .

بطور مسلم در میان فرق اسلامی هیچ یک به
تناسخ معتقد نیستند زیرا همانطور که خواهیم دید
بازگشت روح بزندگی جدید در این جهان ما
متون آیات قرآن مجید سارکار نمیباشد .
فقط دسته کوچکی بعنوان «تناسخیه» در

میان فرق اسلامی دیده میشود که در گذشته وجود
داشته اند و امروز نهادهای آنها در کتب و ملل و
نحل باقی مانده است .

ولی عقیده «ربور امروز در میان محافل
روحی اروپا طرفدارانی پیدا کرده که با سماجت
مخصوصی از آن دفاع میکنند .

انگیزه‌های تاریخی این عقیده

اکنون به بینیم عقیده به بازگشت روح بدن
دیگر از کجا سرچشمه گرفته است . از مجموع
بعضیانی که در کتب تاریخ عقاید و مذاهب شده
چنین استفاده میشود که انگیزه اصلی اعتقاد بعضی
از پیروان ادیان باستانی به مسئله بازگشت روح
یکی اردو چیز بوده است :

۱- انکار رستخیز و جهان دیگر - آنها
چون به جهان دیگر اعتقاد نداشته اند
و شاید آرا محال می پنداشته اند ، و از طرفی
عدم پاداش نیکوکاران و بدکاران را مخالف
عدالت خداوند می دیدند ، لذا معتقد شده اند که
روح نیکوکاران مجدداً به بدن دیگری ، در
همین جهان ، که از بدن نخستین برتر است خوشبخت .

از جهت باز میگردد و پاداش اعمال نیک گذشته
خود را می بیند ، و روح بدکاران به بدنهایی که
در رنج و زحمت برمی برند و یا ناقص الخلقه
هستند بازگشته ، کيفر اعمال بد خود را خواهند
دید ، و در حقیقت بدینوسیله شستشو میشود و
تکامل می یابد .

۲- توجیهی برای کودکان بیمار و معلول -
جمعی دیگر از مشاهده پاره‌ای کودکان معلول و